

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

سوره مبارکه عبس

توجه ویژه به قرآن و تزکیه و تکریم هدایت دیگران

گزاره‌هایی از سوره

برای گزاره‌نویسی در این بخش از فضا‌هایی که بیان شد بهره می‌گیریم، با عنایت به آیات سوره و تحلیل وقایع این فضاها می‌توان گزاره‌های عقلی متعددی را از این سوره دریافت کرد:

برخورد اجتماعی افراد با انگیزه‌های مختلف

عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزَكَّىٰ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ:

- به صرف ظاهر کسی که دارای ناتوانی‌هایی است و به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن رجوع کرده نمی‌توان حکم به ناتوانی وی کرد.

- معیار هدایت شدگی افراد و نفعی که از هدایت می‌برند برای انسان قابل محاسبه نیست.

- میل به هدایت را از میل به تزکیه و ذکر می‌توان متوجه شد.

أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَىٰ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّىٰ وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَكَّىٰ وَ أَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَىٰ وَ هُوَ يَخْشَىٰ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ:

- استغنا و بی‌نیازی به هدایت را از میل به تزکیه نشدن می‌توان یافت.

- میل به تزکیه را از سعی و خشیت فرد می‌توان متوجه شد.

- ملاک در اعتنا یا عدم اعتنا در مسیر هدایت، میل داشتن یا نداشتن به تزکیه است.

- اعتبار، موقعیت و استعداد و ... برای انتخاب افراد در مسیر هدایت باید بر مبنای میل به تزکیه صورت گیرد.

فضای دوم: کتابی که راه سعادت و شقاوت انسان را به وضوح در اختیار او قرار داده است

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ مَّرْقُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ:

- کتابی که موجب ذکر انسان است تنها برای کسی منفعت دارد که میل به تزکیه (سعی + خشیت) داشته باشد.

- گزاره فوق باور عامه مردم پیرامون پیامبر صلی الله علیه و آله، نبود. (به دلیل کلمه کلا)

- برای پندگیری از قرآن زمینه و درون فرد باید مهیا و آماده باشد (سعی + خشیت) (به دلیل کلمه شاء)

- وصف قرآن و ذکر به مکرم، مرفوع و مطهر علاوه بر مقام نزول به نقش نزول و اثر آن در وجود انسان اشاره دارد.
- ویژگی سفیران الهی نازل کننده قرآن به کرام برره، نشان از قدس و طهارت و خیرخواهی فراوان قرآن نسبت به همه انسان‌ها دارد.
- انسان‌ها باید بدانند فضای قدسی قرآن می‌تواند هر ناتوانی را توانا و هر نابینایی را بینا کند.
- شناخت شأن و منزلت قرآن و قدرت هدایتی او، مانع اعتنا به اعتبارهای ظاهری دنیا (مال، استعداد و ...) می‌شود.

فضای سوم: انسان از ابتدای زندگی تا انتهای آن

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ كَلًّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ:

- کفر عامل قتل و عدم جریان حیات در انسان است.
- فراموشی انسان از اعجاز خلقت خویش و غفلت از سیر رشد تا کمال و مرگش موجب می‌شود تا به کفر مبتلا شود.
- شرایط مختلفی برای انسان پیش می‌آید تا تنبه را برای او موجب شود که دست از کفرورزی خود بردارد. گویی همه خوبان عالم منتظر متنبه شدن انسان‌اند. (به دلیل لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ)
- مقاطع حساس حیات هر انسانی عبارتند از: خلق از نطفه، انواع تقدیر، راهی که برایش در مسیر کمال هموار شده، موت، حیات دوباره. توجه به وجود این مقاطع می‌تواند در انسان گوهر خشیت و سعی را شکوفا کرده او را از کفر به تزکیه بکشاند.

فضای چهارم: انواع طعام، انواع گیاه و انواع انسان‌ها

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ:

- برای درک هدایت و رسیدن به تزکیه توجه به طعام، واجب و لازم است.
- منظور از طعام، رزق معنوی و مادی متناسب با رشد است.
- منشأ طعام انسان آسمان است، لذا انتظار این است که با تناول طعام آسمانی، انسان اهل ذکر و خشیت شده با «کرام برره» از «صحف مطهره» بهره‌مند شود. (صب ماء)

- قرآن طعامي پاك و قدسي براي انسان است، همچنين پيامبر صلى الله عليه و آله و اهل بيت عليهم السلام طعامي پاك و آسماني اند.
- با وجودي كه طعام انسان ها يكي است و منشأ همه آسمان است ولي هر يك از انسان ها مشابه گياهان متنوع اند.
- وجود تنوع در ذائقه هاي انسان را بايد پذيرفت.

فضاي پنجم: چهره ها و رفتارهاي روز قيامت

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ:

- حقيقت چهره هاي به ظاهر خرسند امروز، روزي آشكارا نمايان مي شود.
- حقيقت انگيزه ها و رفتارهاي به ظاهر خيرخواهانه انسان، روزي آشكار مي شود.
- كفر و فجور است كه چهره انسان را غبارآلود و ذلت بار مي كند.
- با كفر و فجور بايد چهره را در هم كشيد. (نه با مشاهده فرد نابينا در صدد هدايت)